

خیابان کاتالین

ماگدا سابو

ترجمه نسراله مرادیانی

نسر سیدکل

Bidgol Publishing co

فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۷	حیاان کاتالین
۲۳	حایا
۸۱	آبات و برش‌هایی اراتفاق‌ها
۸۳	۱۹۳۴
۱۴۱	۱۹۴۴
۲۲۱	۱۹۵۲
۲۷۳	۱۹۵۶
۳۱۳	۱۹۶۱
۳۴۷	۱۹۶۸
۳۶۳	پی‌نوشت‌ها
۳۶۷	فهرست نام‌ها

فرایند پیر شدن آدم‌ها به چیری که رمان‌ها یا کتاب‌های
پرشکی دربارهٔ پیر شدن می‌گویند ربط چندانی ندارد
به هیچ اثر ادبی به هیچ دکتری آن نور روشیایی بحث
را به ساکنان سابق حیاناں کاتالین سحشیده بود که سا بود
در سین پیری برگشته‌شان نتاند، سوری که دهلیرتار و
محوى را که در دهه‌های گذشتهٔ زندگی‌شان ار آن گذر کرده
بودند روش می‌کرد، سوری که به حاطره‌ها و ترس‌هایشان
شکلی تاره می‌حشید و به این ترتیب داوری‌های احلاقی و
نظام اررشى‌شان را ریرورومی ساحت آنها البته می‌داستند
که ار دگرگونی‌های بیولوژیک گریری بیست که بدن سا
همان دقت و طرافتی که به یاری‌اش ار لحظهٔ لقاح خود
را برای سمر پیش رو آماده می‌کند روند تاهى‌اش بیر آعار
می‌شود آنها پذیرفته بودند که، به حر تعییر دائقه، عادت‌ها و
بیارهایشان، طاهرشان بیر تعییر خواهد کرد و حواسشان تحلیل

خواهد رفت، اینکه شاید پا نه سس که نگذارند پُر حور شوید یا اشتهایشان را نه کل اردست بدهند، اینکه ترس و خودشان را فرابگیرد یا رودریح و بدعق شوند آنها با مشکلات گوارشی بیشتر یا سی حواسی کنار آمده بودند، مشکلاتی که، مثل خودرندگی، وقتی حواو بودند برایشان محلی ارا عراب داشت اما هیچ کس نه آنها نگفته بود که وحشتناکترین چیر در مورد اردست رفتن حواسی آن چیرهایی بیست که آدم اردست می دهد، بلکه آن چیری است که نه او داده می شود نه حردمدی، و نه آسودگی نه قوه تمیرنی عیب و نقص نه آرامش بلکه فقط آگاهی ارا فروپاشی همگانی

ایس را هم فهمیده بودند که پانه سس گذاشتن گذشته را، گذشته ای که در کودکی و آعار بلوعشان مشحص و سرسته بود، ارا آنها گرفته و مثل نامه ای سرگشاده نارش کرده است هر آنچه تا نه حال برایشان اتفاق افتاده بود همچنان نه گذشته شان شکل می داد، اما حالا نه یکساره اوصاع فرق کرده بود ارا مان چیری نماده بود حر لخطاتی نه حصوص، ارا اتفاق های مهم هیچ حر گوشه ای ارا آنها، ارا حاهای آشنا فقط پس رمیبه ای ارا تک صحه ای، و این گوبه، در آحر کار، می فهمیدند که ارا میان همه چیرهایی که تا حالا نه رندگی شان شکل داده است تنها یکی دو حا و چند لحظه واقعاً اهمیت دارد باقی چیرهها صرفاً مثل پوشال و حود

شکسده شان را در میان می گرفت، پوشالی که توی چمدان چپانده می شد تا ارا محتویات چمدان در برابر سفری دورودرار که در راه است محافظت کسد

درعین حال دریافته بودند که تفاوت میان رندهها و مردهها صرفاً تفاوتی کیفی است، تفاوتی که چندان نه حساب نمی آید، و پی برده بودند که در رندگی هرکس تنها یک نفر هست که آدم نامش را در لحظه مرگ فریاد می رسد